آرزو و امید ملت مسلمان افغانستان اینست که یکبار دیگر در سراسر افغانستان بیرق (لا اله الا الله محمد رسول الله) در اهتزاز باشد. درین حالت هم مثل یک بزبیچارهٔ یا یک گوسفند بیچارهٔ که در حالت جانکندن است و قصابان کسی پوست او را کش میکند کسی گوشت او را میبرد ، کسی پای او را میبرد ، کسی میخواهد که از موی او استفاده کند. بیچاره را درین حالت هم آرام نمیگذارند . اگر کسانی اراده کمک دارند ، کسانی که عاطفه و انسانیت دارند ، کسانی که از روی ایمان و شرافت و عقیدهٔ اسلامی میخواهند که به آن ملت بیچاره کمک و مددی نمایند ، باید کمک و مدد شان بیقید و شرط باشد، برای استفاده های سؤ نباشد، برای این نباشد که اخلاق ما ، اوضاع ما را ، روحانیت و معنویت ما را تغیر دهند ، اگر این کار ها را میکنند در حق ما و خود ظلم میکنند و به بارگاه حضرت بی چون جل جلاله مسوول و جوابده اند .

در آنروز به پیشگاه حضرت بی چون و لایزال همه پیش شدنی هستیم وهمه اعمال ما محاسبه خواهد شد، درافغانستان از ابتدأ، اسلام با مذهب توأم آمده است از ملت افغانستان

نه مذهب را کسی کشیده میتواند نه روحانیت را کسی گرفته میتواند ، دین اسلام تنها دین ظاهری و کلمات و الفاظ نیست ، به علماء کرام معلوم است که اسلام عزیز برای ما درس شریعت و دیانت و اخلاق و شهامت و غیرت و تمام کردار را داد که در تاریخ انسانیت در هیچ ملت و مسلکی نیامده ، این اسلام عزیز ما را از بدبختی ، ظلمت و کفر به اوج انسانیت کامل و شرافت و کرامت رسانید ، در افغانستان عزیز روحانیت توأم با اسلام آمده و روحانیت از ابتداء اسلام تا امروزتوأم با دین وشریعت بوده است .

حضرت ابو هریره(رض) در حدیثی میگویند که من از رسول خدا دوقسم علم را آموختم ، یکی را در بین شما پخش کردم و دیگری را اگر بگویم حلقوم مرا میبرند ، این علم اسرار است این علمیست که به هر کس داده نمیشود ، به خواص اخص داده میشود . ولایت و کرامت از امور مؤمن به است ، از امور حقه است . کسیکه از ولایت و کرامت اولیاءانکار میکند بقول علماء کافر است . زیرا ، کرامت و روحانیت در قرآن عظیم الشان ثابت است ، از آیهٔ قرآن انکار کردن کفر مطلق است .

به شما بهتر معلوم است که در سورهٔ (نمل) قصهٔ

حضرت سلیمان علیه الصلاة و السلام و هد هد که احوال ملکهٔ یمن را برایش آورد ذکر آمـده است هد هد مرغ کوچکی بود ، حضرت سلیمان یک پیغمبر ذیشان با عظمت کـه هوا و آب و باد در تسلط او بود . طیاره دران وقت نبود ، راکت و هلیکوپتر نبـود ، ولی تخت حضرت سلیمان (ع) در هوا پرواز میکرد با تمام همنشینان واهل دربارش . حضرت سلیمان (ع) کسی بود که خداوند (ج) بادشاهی و عظمتی که به او داد به هیچ یک از پادشاه قبل از او و بعد از او نداده. آن سلیمان با آن پیغمبری وبزرگی خود با مرغ کـوچکی کـه هد هـد است صحبت میکرد و احوالات اکناف عالم را هدهد برایش میآورد . هدهد مدتی از صحبت حضرت سلیمان(ع) بدور ماند، سلیمان(ع)فرمودند هدهدکجاست؟ اگر بیاید او را جزا میدهم،هدهد ، بعد ازچندی آمد ، حضرت سلیمان گفت کجا بودی ؟ گفت برای تو یک خبری را آورده ام اطلاعی آورده ام که عجیب است به‌یک ملکی رفتم که پادشاه آن ، حاکم آن، ملکهٔ آن زن بود و یک تختی داشت عجیبی ، عرشی داشت عجیبی که در عمرخود اینطور عرش را ندیده ام که همه از جواهرات ساختـه شده بود و اینها مردمی بودند که خدا را پرستش نمیکردند

یعنی کافر بودند. حضرت سلیمان (ع) بعد از شنیدن قصهٔ طولانی که به شما معلوم است وعلماء میدالند گفتند چه کسی میتواند تخت او را برای من حاضر نماید؟ تخت در یمن است ، یمن تافلسطین که حضرت سلیمان (ع) در آن بودند تقریباً دوالی دو نیم هزار کیلومتر فاصله دارد، یکی از عفریت جن (این قصه را قرآن میکند این قصه دروغ نیست) میخیزد که ای پیغمبر من تخت را در مدتی حاضر مینمایم که تو از جایت هنوز بر نخواسته باشی یعنی سلیمان(ع) ٤ ساعت یا ٥ ساعت یا ٨ ساعت دربار داشتند یعنی قبل از بر خواستن دربار شان تخت را حاضر میکند . شخص دیگری که در حضور سلیمان(ع) و از اولیاء کرام بود ، برایش گفت که این را من به یک طرفة العین حاضر مینمایم طرفة العین یعنی یک پلک زدن چشم تا که دیدند تخت بحضور سلیمان(ع) حاضر بود، او پیغمبر نبود، پیغمبر سلیمان(ع) بود ، لاکن از پیروان پیغمبر بود ، برای تائیید پیغمبری خداوند از دست امت پیغمبر کرامات را صادر میکند ، این هم تائید پیغمبری پیغمبر است اینرا حاضرکرد این کرامت بود ، این ولایت بود ، این معنویت بود ، این روحانیت بود از این انکار کردن از لفظ قرآن انکار کردن است . علاوه بر این خدای بزرگ برای صحابهٔ کرام

که پیرو رسول اکرم(ص)،هم صحبت و همراه شان بودند ، به آنها کرامت ها داده بود ، از آنها کرامت ها شنیده شده، در احادیث هم ذکر شده کدامش را به شما عرض کنم تنها همین که حضرت عمر فاروق(رض) وقتی درخطبه بودند و در بین خطبه فرمودند (یا ساریةالجبل) ساریه بطرف کوه متوجه شو همه صحابه حیران ماندند که عمر دیوانه شد ، مغزش خراب شد چه شد که در بین خطبه ساریه را یاد میکند . ساریه قوماندان لشکری بود که حضرت عمر فاروق(رض) در یکی از غزوات او را فرستاده بودند ، در بین خطبه او را یاد کرد بعد از انکه از خطبه خلاص شدلد ، حاضرین پرسان کردند ، حضرت عمر گفتند که بلی ساریه همرای لشکر در مضیقه گرفتار شده بود،از طرف کفار محاصره شد بود، برای من معلوم شد و برایش هدایت دادم که به طرف کوه متوجه شود .

بعد از چند روزی که قاصد آمد اخبار را آورد گفت که ما به مضیقه گرفتار شده بودیم . و در عین وقت صدای حضرت عمر (رض) را شنیده بطرف کوه متوجه شدیم و از مضیقه نجات یافتیم ولشکر دشمن را سرکوب نمودیم .

اگر متوجه شوید این خود یک دلیل بزرگ است که در مسافهٔ دوالی سه هزار کیلومتر بدون دستگاه تلویزیونی و بدون هیچ گونه وسایل مادی ، خداوند حضرت عمر را متوجه عساکر محصور خود مینماید ، و او در منبر در حالیکه خطبه میدهد صدا میزند وعساکر اسلامی راهدایت میدهد وآواز او را خداوندبدون تیلیفون و تیلگرام به‌گوش عساکر اسلام میرساند . اگر این کرامت نیست پس چه است ؟ این واقعه را نه تنها مسلمان ها بلکه شرق ها و غربی ها و تمام مستشرقین بصورت یک حقیقت در تواریخ نوشته اند .

همین طور از هر یک صحابه کراماتی صادر گردیده است که انسان در حیرت می افتد ، گاهی چنین شده است که یکی از صحابهٔ کرام با چند نفر دیگر از اصحاب رسول الله(ص) در شب تاریک براه افتاده اند که هیچ گونه‌وسایل ظاهری برای روشنی نبوده است ولی دیده شده است که از عصای آنها نوری تشعشع نموده‌که تمام راه آنها را روشن نموده است .

اولیاً کرام و صوفیای عظام به این عقیده هستند که تمام کار های که در این عالم مادی صورت میپذیرد فرمان

آنرا خداوند از عالم قدس به عالم فوق صادر میکند و این فرامین طوری میباشد که ، مثلاً در فلان سال درفلان نقطهٔ از دنیا باید چنین تحوّلی رخ دهد ، و حاملین اول این فرامین ملائکهٔ عظام هستند ، سپس تطبیق آن در روی‌زمین ازجالب اولیای کرام صورت میگیرد .

در بعضی از کتاب‌های تصوف آمده است وعدهٔزیادی از اولیای کرام هم در این باره بحث نموده اند که همه ساله یک مجلس بنام دیوان صالحین از طرف اولیای کرام و متصرفین در روی زمین انعقاد می یابد ، و در این دیوان عموماً روح مبارک جناب رسول اکرم(ص) تشریف میاورد، و حاضرین این دیوان را غوث وقت ، قطب وقت و افراد اولیای کرام تشکیل میدهند، در صورت حضور روح مبارک پیغمبر(ص) غوث وقت وظیفهٔ منشی مجلس را دارد ، و در غیر آن صدارت مجلس را غوث وقت به عهده گرفته و قطب وقت منشی مجلس میباشد ، و وظیفهٔ آنها تطبیق اوامر صادره میباشد ، و بدون اجازهٔ خداوند آنها قادر به هیچ چیز نیستند ، و آنچه انجام میدهند به اجازه و قدرت محولهٔ خداوند انجام میدهند . و این هم از صوفیای کرام نقل گردیده است که تمام شهر ها و مناطق که در روی

زمین وجود دارد همه دارای یک متصرف میباشد، وتصرف اینست که خداوند برای ولی و یا دوست خود امر صادر می نماید، واوسوظف تطبیق آنست ، و گاه‌گاهی تغیرات کشور ها و مناطق، مربوط به مزاج متصرف آن نیز می باشد .

بطور مثال گاهی شده است که متصرف یک شهر مرد جلالی و تیز بوده ، بناءً دران منطقه انقلابات ، هیاهو و گیر و دار بیشتر رخ داده است، و گاهی هم دیده شده‌است که متصرف یک منطقه مرد نرم خوی و آرام بوده ، بناءً در ان نقطه آرامی بیشتر به مشاهده رسیده است ، برای این دو گونه متصرفین از نگاه شدت و نرمی مزاج اینک دو مثال خدمت تان عرض میکنم .

یکی از دوستان خداوند وقتی از شهر بخارا باز دید نمود، ودید که از مدت زیادی سکون وآرامش حکم‌فرماست بفکر آن افتاد تا متصرف آن شهر را پیدا کند ، بعد از تلاش فراوان با مردی بر خورد که گندنه می فروشد و در عین حال متصرف وقت است ، بعد از ادای سلام واحترام چند پولی بدستش داد و از او تقاضا نمود تا چند دسته گندنه برایش بدهد . متصرف مذکور یک دسته از بهترین

گندنه های خود را برایش داد ، آن مرد ولی آنرا بدور افگند و گفت این چه است که برای من دادی؟همه گندنه‌های خراب است ، متصرف برایش گفت خیر است شما آزرده نشوید دیگر برایتان میدهم ، دستهٔ دیگری را خدمت او عرضه نمود ، آن مرد ولی دست هایش را بوسیده‌گفت ، واقعا تو چنین متصرفی هستی که آرامی سراسر کشور را فرا گرفته است .

بار دیگر بعد از گذشت سالهای متمادی آن مرد خدا عازم بخارا گردید و در حالیکه هرج و موج فضای شهر را گرفته بود ، دوباره بفکر آن افتاد تا متصرف شهر را پیدا کند ، پس از تکاپوی زیاد به یک نفر سقاوی بر خورد که مشک آب را بدوش افگنده و مردم را آب میدهد ، نزد او رفت و گفت ، بابا قدری آب میخواهم ، متصرف مذکور گلاس را برایش داد ، آن مرد گلاس را بدور انداخت و گفت این آب کاملاً خراب است . و آب پاک از نزدت میخواهم ، متصرف که مرد جلالی بود یک سیلی برویش نواخت و گفت ، تو مرا گندنه فروش تصوره نموده ای ؟ و آن ولی خدا گفت بدون شک این جلالی بودن تو با هرج و مرج مطابقت دارد .

برادران گرامی، بعد از این مثال ها کسانی به بخارا مسلط گردیدند که مدارس و مکاتب را به آتش کشیدند، کتابخانه ها را سوختاندند، علماً را از بین بردند، روحالیون را نیست و نابود کردند، عدهٔ زیادی مانند شما مهاجر گردیدند، یکی از دوستان خدا متوجه شد که چرا بخارا با آن عظمت خود دوچار چنین سانحهٔ مرگ باز گردید، در توجهٔ روحانی خود حضرت شاه نقشبند بهاءالدین بلاگردان افتاب جهانتاب فاخرهٔ خطهٔ بخارا قطب ظاهرهٔ ولایت بهاءالحق و الدین نقشبند صاحب را دید که به زنجیر ها بسته شده است و میگوید (اول ما را به زنجیر ها بستند، باز روس ها را آوردند).

وقتیکه امر و قضای مبرم خداوند به قضای مطلق مبدل گردد، دران صورت از دست اولیاءالله چیزی ساخته نیست، انکار از همچو روحانیت دور از انصاف است.

حضار گرامی علم شریعت بر دو قسم است یکی علم ظاهری و دیگر باطنی، تمام صحابهٔ کرام این علم باطنی را از جناب رسول الله (ص) فرا گرفته بودند، تمام طریقه‌های تصوف اعم از نقشبندیه، قادریه وغیره. تمام این سلسله ها به جناب رسول الله (ص) میرسد که سلسله

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بزرگ و برتر

خوانندگان گرامی ، رسالهٔ را که تحت مطالعه دارید بیانیهٔ مفصل دانشمند عالیقدر پروفیسور مجددی، رهبر جبههٔ ملی نجات افغانستان است که در روز ۷ ثور سال ۱۳۶۶ دریک گرد هم آئی بزرگ و پر شکوه بمنظور تقبیح مداخلهٔ نظامی روس ها در افغانستان ایراد گردیده است .

در این بیانیه تحولات فعلی در افغانستان و ارتباط آن با دنیای آزاد تجزیه و تحلیل گردیده است، و پرده از روی حقایق زیادی که تا حال از انظار مردم دور مانده است ، برداشته شده، و راه‌های واقع بینانهٔ در حل معضلهٔ افغانستان پیشنهاد گردیده است ، که هر کدام آنها به ارزش های عمدهٔ دین اسلام و شریعت غرّای محمدی استناد یافته است .

همچنان برای گروه‌های داخلی و خارجی که بیرحمانه در صدد آن هستند که از قطره‌های خون مردم افغانستان استفاده های سؤ نمایند اخطار گردیده است ، مذاکرات (ژنیو) و موضوع حل سیاسی مسلهٔ افغانستان تحت بررسی دقیق قرار گرفته، سیاست و نظر جبههٔ ملی نجات افغانستان

بسلسله بما رسیده است . در یک حدیث قدسی آمده است که دوستان من در زیر قبا ها هستند که بجز ما کسی دیگری آنها را نمی شناسد ، و آن دوستان خدا یک دیگر خود را میشناسند .

یکی از دوستان خدا از امام ربانی پرسید که ما، مانند شما صاحب کرامت نیستیم ، پس چطور میتوانیم اولیاءالله را بشناسیم ؟ حضرت فرمودند که کسیکه پابند شریعت بوده ، محبت خدا و عشق رسول سراپای او را فرا گرفته باشد ، و از صحبت او روز بروز دلهای شما از دنیا سردشده و مایل به آخرت گردد او در حقیقت ولی خداوند است .

برادران گرامی ! گفتنی‌ها بسیار است وآنچه‌ضروریست اینست که دربارهٔ موضوعات افغانستان صحبت شود و نظر شما را دران دخیل بدانیم ، و تا حال آنچه برای ما معلوم گردیده به شما باز گو نمائیم تا از اوضاع جاری با خبرباشید من میدانم که شما قبول زحمت نموده از جا های دور و دراز آمده اید، و در این شدت گرمی در این مجلس‌اشتراک دارید ، ولی این اشتراک شما برای خداست ، مجالسی که برای دین خدا و اعلای کلمة الله ترتیب می یابد و مجالسی که برای خیر و مصلحت مسلمین ترتیب می یابد ، دران

مجالس ملائکهٔ عظام می‌آیند وبال های خود را فرش میکنند انشاء الله رحمت خداوند شامل حال شما است ، و خداوند این مجلس ما را بدربار خود قبول نماید .

آسمان سجده نماید بزمینیکه دراو
یک دوکس یک دو نفس بهر خدا بنشینند

حرف دوم من دوبارهٔ اوضاع سیاسی افغانستان وارتباط آن با وضع جهان آزاد است . وضع سیاسی افغانستان به شکلی که امروز است نه تنها مربوط جهان آزاد است بلکه مستقیماً به مردم افغانستان هم ارتباط دارد ، زیرا وطن ماست، خاک ماست ، بالای ما تجاوز صورت گرفته است ، بناءً اوضاع سیاسی ، اقتصادی و عسکری همه و همه به ما مرتبط میگردد ، و به صورت غیر مستقیم به ممالک همجوار مانند پاکستان ، ایران ، چین و دیگر ممالک خلیج ، و از نقطهٔ نظر اسلام به امت اسلامی ارتباط پیدا میکند ، و از نقطهٔ نظر بشری و انسانیت به تمام دنیای آزاد مرتبط میگردد ، بناءً این حیثیت یک قضیهٔ جهانی را بخود گرفته است ، و اگر این معضله بین المللی نمیبود ، این همه کانفرانس های گونا گون در سراسر جهان دربارهٔ افغانستان دایر نمیگردید، در اروپا و امریکا در افریقا و آسیا چه ممالک اسلامی وچه

غیر اسلامی همه ساله چندین کانفرانس روی موضوع افغانستان دایر میگردد ، تمام مردم دنیا متوجه افغانستان شده اند ، و این دلچسپی جهانی به فضل و عنایت خداوند و باز ببرکت جهاد ، شهامت ، غیرت و قربانی های شما مردم افغانستان است .

تمام جهان آزاد بـه این فکر است که یا از راه سیاسی و یا از هر راهی که باشد روس ها از افغانستان خارج گردند وحق سرنوشت مردم افغانستان به خود شان واگذار گردد .

این یک لطف و مرحمت و عنایت خداونـدی است که خدای بزرگ قضیهٔ افغانسـتان را از اذهـان دنیای آزاد فراموش نگردانیده و روز بروز توجهٔ دنیای آزاد بـه افغانستان بیشتر میشود ، همین کمک های که امروز برای مهاجرین ، سه ملیون مهاجر در اینجا و یکونیم ملیون در ایران و تقریباً نیم ملیون در دلیای ازاد میشود برکت که است ؟ برکت جهاد شما و لطف ایزد متعـال است(ج) ، و همین که قضیهٔ افغانستان در سرزبان‌ها است ، اگر امریکا است اگر اروپا است، اگر انگلستان است ، اگر فرانسه است اگر ممالک اسلامی عرب است ، عربستان سعودی است ، ممالک

خلیج است،مصر است ، پاکستان در درجهٔ اول و دیگر دنیا اندونیزیا ، مالیزیا هر جای دیگر که فکر میکنید برای افغانستان متوجه هستند و میخواهند یک راهی پیدا شودکه افغانستان آزاد شود ، برای اینکه افغانستان آزاد شود ، مادهٔ اساسی یا علت اساسی ، یا سبب اساسی مجاهدت و قربانی‌وغیرت وشهامت‌شماست، تا وقتیکه سنگر گرم‌نباشد ، تا وقتیکه بر دشمن تلفات سنگینی را وارد نکنیم ، تا وقتیکه سر و مال خود را در راه خدا قربان کردیم همچنان قربان نکنیم مشکل است که راه حل برای بر آمدن روس ها پیدا شود . اولین چیزی که روس ها را بر سر میز مذاکره می‌آورد ، اولین چیزی که حل سیاسی را بوجود می آورد که روس برای خود بینی خمیری به اصطلاح بسازند، آبروی خود را نگهدارد ، این غیرت و شهامت و فدا کاری شماست ، خداوند سنگر را گرم داشته باشد، خداوند به شما توفیق مزید عنایت فرماید که به دشمن خود و دشمن انسانیت بزرگترین خسارات را وارد کنید . و باز روس میخواهد که از افغانستان براید ، این مشکل است که او کالا و سامان خود را گرفته بگوید که من شکست خوردم بس .

چون یک ابر قدرت است از این خجالت میکشد، همین یک ملیون یا یکونیم ملیون انسان را که تباه کرد از این خجالت نمیکشد ، اما از این خجالت میکشد که من چطور بگویم که از افغانستان برامدم ، میخواهد که آبروی خود را نگهدارد ، همین است که مذاکرات سیاسی را شروع نمود . یک وقتی بود که روس قبول نمیکرد که مذاکره کند امروز خودش خواهش داردکه مذاکره کند تا یک وقتی دنیا به این فکر نبود که روس از افغانستان براید ، از مدت پنج ماه است که آهسته آهسته همه دنیا تصور میکند ، امید میکنند که روس از افغانستان براید علایم و قرائنی ونشانه های دیده شده که روس میخواهد از افغانستان براید، لاکن نه به شکل یک شکست خورده، بلکه میخواهد آبروی خود را به یک قسمی نگهدارد و کوشش اول روس اینست که میگوید من که از افغانستان میبرایم بعد از من رژیم کمونیستی که بخاطر او اینقدر قربانی و تلفات را متحمل شدم و بدنامی ها و رسوائی ها را متحمل شدم این رژیم کمونیستی در افغانستان باقی ماند ، لاکن این رژیم کمونیستی را کسی قبول نمیکند پس راه حل دیگری سراغ نمائیم .

بهرحال دربارهٔ حل سیاسی که میگویند در (ژنیو) مذاکرات روان است از مدت یک دو سال تا حال هنوز به نتیجهٔ کامل نرسیده، امید است که این مذاکرات به‌نتیجه برسد، به‌اساس همان چار نکاتی‌که در کانفرانس‌وزرای‌خارجهٔ ممالک اسلامی در اسلام آباد ، در کانفرانس سران ممالک اسلامی، در فیصله های ملل‌متحد، و در کانفرانس‌های‌ممالک بی طرف فیصله شده بر همان اصول روس باید از افغانستان براید و این امید ها است، تا به حال به یقین نرسیده ، امید روز بروز بیشتر میشود ، امید ما و شما از دربار ایزد(ج) است،باا تکا به‌خداوند وباتوکل به خداجهاد را شروع نمودیم و به همان خدای بزرگ عقیده و ایمان داریم و اتکا داریم که انشاء الله روس بزودی از افغانستان به رسوائی کشیده خواهد شد. (نعرهٔ تکبیر)

من نمیدانم که چرا بعضی برادران حل سیاسی را رد میکنند ومیگویند که حل سیاسی نمیخواهند ، نشریات‌کردند مجله ها نوشتند ، کتاب ها نوشتند و فکر میکنند که در اسلام صلح نیست ، فکر میکنند که در اسلام حل سیاسی نیست در حالیکه آیت صریح است . قبل از این هم در مجلس دیگری هم بن به حضور شما عرض کردم ، علماً

کرام الحمد لله هستند ، میدانند اینرا که خدای بزرگ در قرآن عظیم الشان اینرا فرموده است که (و ان جنحوا للسلم فاجنح لها وتوکل علی الله انه هو السمیع العلیم و ان یرید وا ان یخدعوك فان حسبك الله هو الذی ایدک بنصره و بالمؤمنین) خداوند میفرمایند که اگر آنها تمایل کردند برای صلح ، برای رسول خود میفرمایند که اگر کفار تمایل کردند به صلح توهم تمایل کن و توکل کن بر خدای بزرگ به ذات اوکه شنوا و دانا است ، خیر و شر مارا میداند و همه چیز را میبیند و میشنود و اگر اراده کردند کفار که ترا بازی بدهند و خدعه کنند با تو ، (وان یریدوا ان یخدعوک فان حسبک الله) پس خداوند نگهبان تو است و آن ذاتی است که ترا به نصر و به مدد خود یاری کرده و تائیید کرده و بواسطهٔ مؤمنین ترا تائید کرده است .

اینرا خدای بزرگ به اینطور میفرمایند، و بعد از آن میفرمایند که (والف بین قلوبهم لو انفقت ما فی الارض جمیعاً ما الفت بین قلوبهم ولکن الله الف بینهم انه عزیز حکیم) و آن ذاتی است که بین دلهای مسلمانان تالف و محبت را پیدا کرد ، و اگر آنچه در روی زمین است صرف میکردی در دلهای آنها نمیتوانستی الفت پیدا کنی لاکن خدای

بزرگ به قدرت کاملهٔ خود دلهای شانرا یکجای ساخت وبین دلهای شان تالف ومحبت را آورد و خدا(ج) غالب وحکیم و دانا است .

برادران عزیز! این حکم قرآن است درکتاب‌های فقهه این ذکر شده که همواره جهاد بالای ما فرض نیست(یعنی) هر ساعت هر دقیقه، گاهی جهاد و گاهی‌صلح گاهی قتال و گاهی صلح البته (الجهاد ماض الی یوم القیامه) تا به روز قیامت جهاد دوام دارد ، لاکن گاهی به حالت صلح و گاهی به حالت جنگ .

هر چیزی را که امیر ، خلیفه ، امرا ، علماء ، خیر ومصلحت ببینند ، وقتیکه خیر و مصلحت اسلام را درجهاد دیدلد، جهاد کنند . جهاد غیرمسلحانه‌هر وقت است، جهاد زبانی ، جهاد قلمی ، جهاد دعوت، جهاد با نفس ، جهاد اکبر ، لاکن جهاد قتال با سیف و سلاح هر وقتیکه علماء و امرا و خلفای مسلمان ها اینرا لازم دیدند انوقت جهاد است . امروز اگر حالت افغانستان را مشاهده کنیم و دل خود را به حال ملت بیچاره بسوازنیم که به هزار ها یتیم و به هزار ها بیوه دارند و به هزار ها کسانی داریم که تا به امروز در دنیا علاج آن ها نمیشود ، به ۵ ملیون و ۶

میلیون مهاجر ما رسیده است ، در همین مدت ۶ ماه در کمپ های کویته بلوچستان ۱۱۰۰ طفل از بی دوائی و بی غذائی و بی پناهی وفات نموده است . دیگر حالا بازهم ما دل خود را بالای ملت بیچاره نمیسوزانیم ، این سنت محمد(ﷺ) است این سنت ابراهیم خلیل الله است این سنت پیغمبر ها است این امر خدای بزرگ است که بالای مردم مسلمان ، بالای مخلوق خدا دل بسوزانیم .

رحم کننده‌گان را خدای بزرگ بالایشان رحم میکند، در حدیث قدسی است که خداوند میفرماید که،(رحم کنید بالای کسانیکه بروی زمین است تا کسیکه در آسمان است بالای شما رحم کند) ملائکهٔ عظام بالای شما رحم کنند.

ما حالت افغانستان را میبینیم ، ما مصمم هستیم که تا اخراج آخرین عسکر روس ازافغانستان سلاح را بر زمین نگذاریم این عهد و پیمان ما با خدا است :

دست از طلب ندارم تا کام من براید
یا جان رسد بجانان یا جان زتن براید

حل سیاسی را اگر دقیق مطالعه کنیم حقیقت اینست که در حل سیاسی قضیهٔ افغانستان باید جوانب اصلی یاطرفهای اصلی موجود باشد ، یکطرف روس نا بکار است ، روس

متجاوز بخاک افغانستان و در طرف دیگر نماینده های مجاهدین که از خاک و دین خود و ناموس خود دفاع میکنند ، اینها باید دورمیز مذاکره نشسته باشند ، لاکن تا امروز این زمینه مساعد نشده ، بارهاست ما درخواست کرده ایم اگرچه حکومت پاکستان عزیز با ما هر گونه همکاری را براه انداخته اند ، از هیچ قسم فداکاری از هیچ قسم کمک دریغ نکرده است .

جنرال محمد ضیاء الحق رئیس جمهور دولت اسلامی پاکستان در تمام بیانات خود از موقف مجاهدین دفاع نموده اند ، خصوصاً در این اواخر در جلسهٔ مشترک پارلمان بعد از تائید مکمل موقف مجاهدین گفتند مهاجرین افغانستان برادران اسلامی ما هستند و انشاء الله بعد از آزادی افغانستان همه بوطن عزیز خود باز خواهند گشت و اگر خدا نخواسته بفرض محال افغانستان آزاد نشود ، پاکستان وطن ثانوی آنهاست و آنچه از ما ساخته است دربارهٔ آنها دریغ نخواهیم کرد .

مردم افغانستان قبلاً هم با پاکستان روابط برادری ، دوستی وحسن همجواری داشته و بعد از این روابط مستحکم تر خواهد بود ، دعای ما اینست که خداوند این خطهٔ

پیرامون این موضوع واضح گردیده است ، مسئلهٔ زعامت واحد برای احزاب اسلامی افغانستان در قبال خروج احتمالی روس ها از کشور نیز در احاطهٔ آن گنجانیده شده است .

برای اکثر خوانندگان معلوم است که بیانیه های جناب مجددی ، فی البدیهه وبدون نوشتهٔ قبلی ایراد میگردد و در خلال بیانیه گاهی از زبانی به زبان دیگر عدول میگردد که نمیتوان آنرا لفظ به لفظ در صفحهٔ کتاب آورد، نمایندگی جبههٔ ملی نجات افغانستان در لاهور نظر به اهم بودن این بیانیه متن آنرا از نوار کیست برشتهٔ تحریر در آورده و قسمت های پشتوی آنرا طوری که در معانی و مفاهیم هیچگونه تغییری رخ ندهد به فارسی ترجمه و قسمت های فارسی آنرا با در نظر داشت مفاهیم آن باهم مرتبط ساخته است .

امیدواریم با ارائهٔ این رساله در ذهن خوانندهٔ گرامی برای درک اندیشه های جبههٔ ملی نجات افغانستان در قبال جهاد فی سبیل الله و راه حل معضلهٔ افغانستان کمک کرده باشیم .

گر بریزی بحر را در کوزهٔ
چند گنجد قسمت یک روزهٔ

پاکستان را از مصائب محفوظ نگهدارد ، و اگر خدا ناخواسته مشکل و یا مصیبتی متوجه پاکستان گردد، مردم افغانستان با آنها در صف اول قرار خواهند گرفت .

اکنون که مذاکرات غیر مستقیم با روس دربارهٔ حل سیاسی افغانستان در(ژنیو) جریان دارد کوشش پاکستان اینست که روس ها را متقاعد سازند که از افغانستان خارج گردند البته تحت آن شرایط که بخیر ما و مصلحت تمام ملت افغانستان و بخیر اعلای کلمة الله باشد ، پس در این صورت چرا کور کورانه و بدون مطالعه، ما مذاکرات (ژنیو) را رد مینمائیم؟ این موقف علاوه از اینکه از دایرهٔ انصاف دور است ، نشان دهندهٔ عدم اعتماد به حکومت پاکستان است که در راه آزادی افغانستان میکوشد .

حکومت پاکستان بار ها برای ما گفته است که ما هرگز چنین فیصلهٔ نخواهیم کرد که به خیر شما و خیر اسلام نباشد و بدون مشورهٔ شما هیچ قدمی در این راه نخواهیم برداشت ، و فیصلهٔ نهائی بدست شما خواهد بود. باوجود اطمینان که پاکستان به ما داده است ، هستند کسانیکه اظهار شک و تردید نموده ودست به پروپاگندها علیه حکومت پاکستان زده اند .

برادران محترم ما از طرف پاکستان مطمئن هستیم که انشاء الله با ما خیانت نخواهد کرد ، و با قضیهٔ افغالستان خیانت نخواهد کرد ، با تمام فشار های داخلی و خارجی که بالای حکومت پاکستان است ، ولی بازهم با کمال ایثار و فدا کاری در موقف خود پا بر جاست ، با آنکه طیارات روس بیش از ٤ مرتبه به حریم هوائی پاکستان تجاوز نموده و خاک این کشور را بمباران نموده اند .

در مورد مذاکرات نهائی البته تقاضای ما ازپاکستان و جهان آزاد اینست که در سر میز مذاکرات نماینده گان مجاهدین باید حضور داشته باشند و طرف دیگر قضیه باید روس ها باشند.اما با کمال تاسف باید گفت که جای شرم وخجالت است که ما در مدت ۸ سال موفق نشدیم که یک فرد را بحیث رهبر انتخاب نمائیم این وضع اتحاد و همبستگی ماست . اکنون اگر دنیای آزاد از ما بخواهد و تقاضا نماید که باید نمایندهٔ خود را به (ژنیو) بفرستیم که با روس‌ها داخل مذاکره شود ، آیا این تنظیم های هفتگانه موفق خواهند شد که کسی را منتخب نموده به آنجا بفرستند ؟

بطور مثال خدمتتان عرض کنم که مدت یکسال میگذرد

که اداره‌ی بنام اطلاعات تاسیس گردیده است و وظیفهٔ آن اینست که درباره مجاهدین و مهاجرین و جریاناتی که در داخل افغانستان است همه را بصورت راپور ها ، عکس ها و فلم ها جمع آوری نموده و مرتباً به دنیای آزاد آنرا پخش و نشر نمایند ، بعد از بحث و جنجال‌های زیاد فیصله گردید تا هر تنظیم یک و یا دو نفر خود را به این اداره معرفی نماید ، این کار را کردیم ، اکنون گفته شده است که باید هفت تنظیم یک فرد واحد را بحیث مدیر این اداره تعیین نمایند . باور کنید در مدت یکسال ما موفق نشدیم تا یک نفر را بحیث مدیر انتخاب نمائیم ، چندین بار به ایشان گفتم که هر کسی را که شما مقرر مینمائید ازجانب من و از جانب جبههٔ ملی نجات افغانستان قابل قبول است.

وقتیکه دربارهٔ تقرر یک مدیر دفتر در مدت یکسال ما موفق نشدیم ، پس ما چطور میتوانیم یک شخص را به صفت رهبر انتخاب کنیم ، این نا بسامانی ها درمیان ما وجود دارد و روز بروز بیشتر میشود، ما که قادر به‌تاسیس یک اتحاد محکم و یک رهبری واحد شده نمیتوانیم ، پس دنیا هم خواهد گفت ، شما که با هم متحد نمیشوید کسی دیگری را انتخاب و بر شما مسلط خواهیم نمود ، در ان

صورت چه خواهیم کرد ؟ بجز شرمندگی در نزد خدا و مخلوق او چارهٔ دیگری نخواهد بود .

برای شما معلوم است که سال گذشته من سه‌پیشنهاد به رهبران احزاب ارائه نمودم که باید از ان یکی راپذیرفت و جامه عمل پوشاند ، زیرا مشکل بزرگ و اساسی با همین مسئلهٔ زعامت است ، پس باید یکی از این رهبران را به‌صفت زعامت واحد بپذیریم و تـا آزادی افغـانستـان بـه او بیعت نمائیم ، و بعد از آزادی افغانستان دوباره انتخابات صورت گیرد ، همهٔ آنها این را بظاهر قبول نمودند ولی در عمل یک قدم هم بر نداشتند .

پیشنهاد دومی خود را بر ایشان عرضه داشتم که هر یک میگوید که ۷۰٪ مردم افغانستـان با اوست ، و من نمیدانم که چند ۷۰٪ در افغانستان وجود دارد ، و بدون شک این یک ادعای دروغینی بیش نیست .

درین‌صورت چون در داخل افغانستان انعقاد انتخابات مشکل و بلکه نا ممکن است ، اما یک نمونهٔ بزرگ ازمردم افغانستان در داخل پاکستان موجود است که تعداد شان بالغ به ۳ ملیون افراد میگردد ، که آنرا شما مجاهدین و مهاجرین تشکیل داده اید ، در جهاد سهم گرفته و قربانی

داده اید . پس بیائیدکه هر یک از ما خود را برای رهبریت کاندید نموده و به مهاجرین و مجاهدین که در داخل کمپها هستند رجوع نمائیم و هر که رای بیشتر نصیبش گردید فرد درجه اول و در راس قرار گیرد و به همین سلسله حیثیت تمام تنظیم ها از نگاه افراد معلوم میگردد ، همه بالای این پیشنهاد صحه گذاشتند و سپس یکی از آنها به گمان اغلب (حکمتیار صاحب) گفت این کار در ان صورت ممکن است که همه تنظیم‌ها یکجا شوند ، من گفتم اگر همه تنظیم ها به صورت یک تنظیم در ایند پس هیچ مشکلی باقی نمیماند، در ان صورت انتخابات برای چه ؟ بالاخره این پیشنهادهم عملی نه‌گردید، و بار دیگر به‌ایشان گفتم پس‌بیائید کاردیگری را انجام بدهیم که در تاریخ افغانستان سابقهٔ طولانی دارد و آن اینکه رهبران و اقوام افغانستان در طول تاریخ هر وقتی که به مشکل لاینحل روبرو شده اند ، لویه جرگه را تشکیل داده اند ، چه میشود اگر ما هم این کار راانجام دهیم ، تمام نماینده های مجاهدین و سران اقوام را از داخل افغانستان احضار نمائیم ، و نماینده های مهاجرین را از سراسر پاکستان و دیگر دنیا دعوت نمائیم که حد اقل آنها به سه هزار نفر اشخاص بالغ خواهد گردید ، هر که

آرزوی رهبریت را داشته باشد درلویه جرگه خود را کاندید نماید ، و اگر رای اکثریت را بخود جلب نمود رهبریت را بدوش او بگذاریم ، قسم بخدا که مدت یکسال میگذرد تا هنوز جواب مثبت درین باره نداده اند .

بعد از اعلان آتش بس و آشتی ملی حکومت دست نشاندۀ روس‌ها در کابل، ما فیصله کردیم، رهبرها و تنظیم‌ها فیصله کردند که این پیشنهاد را رد میکنیم . دو یا سه شب پیش از همین پیشنهاد مذاکره داشتیم، بعضی برادرها همین حالا هم تشریف دارند که در مجلس حاضر بودند ، من برای برادرها گفتم که برادرها معذرت میخواهم، مردم را خواسته اید پنج صد هزار الی یک میلیون نفر میآید ، شما برای آنها میگوئید که آشتی ملی را ، مصالحۀ ملی را ، حکومت ائتلافی را قبول نداریم ، آتش بس را قبول نداریم ، اینرا هم بار ها نوشته اید که مذاکرات (ژینو) را هم‌قبول نداریم ، مردم افغانستان به امید می آیند ، خواهند گفت که شما چه میخواهید برادر ها شما چه را قبول دارید ؟

نکنید به لحاظ خدا ، بیائید یک کار دیگر کنیم وآن اینکه یک حکومت تشکیل بدهیم ، اگر روسها بر ایند این حکومت ما ، این رئیس ما ، این پیشوای ما ، این‌رهبر

ما جای آنرا بگیرد، سه پیشنهاد را سه چار سال پیش برایتان کردم که این پیشنهادها را قبول کنید ، یکی آنرا هم عملی نکردید، البته دو سه تنظیم با ما موافق رای هستند لاکن دو سه تنظیم دیگر نیستند ، خیر برای آنها گفتم که اینرا قبول نکردید ، حالا برایتان میگوئیم که بیائید یک حکومت تشکیل کنیم همین حالا ، امشب ما و شما حکومت را تشکیل کنیم. فرداکه ملت میآید همین‌ها نمایندهٔ ملت است تماماً جمع میشوند برای آنها اطمینان بدهیم که ما این پیشنهاد های روس را قبول نداریم ، ما رهبر خود را تعیین نموده ایم ، ما حکومت خود را تاسیس کرده ایم ، روس براید ما حکومت خود را اعلام میکنیم .

برادر ها ! اینقدر مناقشات زیاد شد که چندین ساعت طول کشید ، آخر گفتند خوب یک هئیت تعیین مینمائیم که یک مسوده بسازد ، یک لایحه بسازد برای تشکیل حکومت که چه قسم حکومت تشکیل شود ، تا یک ماه دیگر اینرا تکمیل کند و بعد از ان این مسوده را برای هئیت رئیسه و یا شورای عالی پیش نماید که آنها فیصله کنند ، گفتیم خوب این کار درست ، لاکن یک رهبر همین حالا تعیین نمائیم ، گفتند نمیشود . من گفتم برادر ها سه

پیشنهاد کردم قبول نکردید ، همهٔ ما و شما دعوای داریم که مطابق سنت رسول خدا ﷺ عمل میکنیم ما مسلمان هستیم تابع سنت هستیم یک پیشنهاد جدید دیگر برایتان میکنم، طبق سنت، گفتند که چه؟ گفتم که رسول خدا ﷺ فرموده اند که هر وقت که کدام کار مهمی برایتان پیش شد ، تجارتی میکردید ، نکاحی میکردید ، سفری میکردید استخاره کنید که خدا(ج) برایتان رهنمائی کند ، بیائید همین امشب همهٔ ما و شما وضو کنیم دو رکعت نماز بخوانیم استخاره کنیم که خدا(ج) در خواب برای ما چه میگوید ، که کدام شخصیت را رهبر بسازیم ، اینرا هم قبول نکردند .

خوب ! برای ما این مسئله گفته شده ، واضح گفته شده و از بسیار منابع ما شنیده ایم، و این مسئله یکچیزی به حقیقت رسیده است که روس ها کوشش دارند که از افغانستان برایند ، لاکن آنطور برایندکه من برایتان عرض کردم که باید حکومت کمونیستی در کابل بماند ، و ما به هیچ قسم این حکومت کمونیستی را قبول نداریم ، ماجهاد خود را در مقابل کمونیست اعلام کردیم، در مقابل دهریت اعلام کردیم ، در مقابل ظلم و استبداد اعلام کردیم و بعد

از آن روس مداخله کرد و بعداً با روس‌ها در پیکار شدیم، و ۸ سال است که در مقابل کمونیزم مابرسر پیکار هستیم، ما به هیچ صورت قبول کرده نمیتوانیم که حکومت کمونستی در کابل باشد .

پاکستان ، دنیای آزاد ، و کسانیکه به افغانها علاقه دارند، ارتباط دارند ، دوستی دارند آنها میگویند که باید بعد از برامدن روسها از افغانستان حکومت اسلامی باشد ، زیرا ۹۹% ملت همه مسلمان است و آنها غیر از اسلام چیزی دیگری را نمیخواهند ، چطور حکومت غیر اسلامی میتواند در افغانستان تاسیس گردد . اگرچه روس حکومت اسلامی را هم قبول نمیکند چون فکر میکند که این خلاف کرامت ، عزت و شرافتش است ، اگر کرامت و شرافت داشته باشد . اما راضی نیست که از جانب مجاهدین حکومت تاسیس شود . ما اینرا از بعضی مقامات شنیده‌ایم و در بعضی مجالس گفته شد که روس به حکومتی که ازجانب مجاهدین تاسیس گردد راضی نمیشود ، و ما به‌یک حکومت کمونستی راضی نیستیم یک راه حل سوم باید وجود داشته باشد اینطور گفته شد ، که یک شخصیت افغانی که مسلمان باشد، اکثریت ملت مسلمان افغانستان آنرا قبول کند ، یک

حکومت موقتی را برای شش ماه یا یک سال تاسیس کند ، بعد از ان انتخابات در افغانستان صورت گیرد ، تا که یک آبرو و یک بینی خمیری برای روس ها شود .

به مجردیکه این سخن گفته شد در بعضی برادرها تاثیر خراب کرد و به آن عکس العمل نشان دادند ، در بیانات خود اظهارات عجیب و غریب کردند ، آنها اینطور تصور کردند که غرض از این شخصیت محمدظاهر شاه پادشاه سابق افغانستان است ، بهر صورت این حدس برادر ها بود که ممکن است که این شخصیت کهمیگویند، محمد ظاهر شاه باشد، بر ضد ظاهر شاه مجالس ترتیب شد، گفته شد که ظاهر شاه خائین است ، گفته شد که ظاهرشاه مرتد است و باید محاکمه شود ، در این باره البته مردم جواب‌های سخت و شدید بر ایشان دادند و مردم چون به ستوه آمده اند، به تکلیف هستند ، جهاد طولانی شد، مردم میخواهند از روس اول خلاصی یابند . بعداً ملت‌افغانستان بین خود فیصله خواهد کرد ، اگر ظاهر شاه سبب برامدن روس میشود امکان دارد مردم او را قبول کنند .

بهر حال این مسله به اندازهٔ طول کشید که حتی در بیانات خود تعرض‌های بسیار بیجا و بیمورد بالای شخص

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوٰة والسلام على سيد الانبياً والمرسلين وخاتم النبيين وقائد المجاهدين حبيبنا و مولانا محمد وآله واصحابه اجمعين .

اما بعد !

برادران گرامی
مجاهدین محترم
مهاجرین گرانقدر
انصار عزیز و محترم

ألسلام عليكم ورحمة الله وبركاته

امروز آن روز تاریخی است که به خاک افغانستان که مایهٔ افتخار عالم است ، از طرف ملحدین و دشمنان خدا ورسول مستقیماً هشت سال قبل تجاوز صورت گرفت، امروز روز یست که امپراطوری تجاوزگر روس خواست تا نام اسلام و انسانیت را محو نماید ، امروز روز یست که ظلم هائیکه در تاریخ بشریت نمیتوان نظیر آنرا سراغ نمود ، علیهٔ شرافت، اخلاق وکرامت انسانی از طرف یک استبداد جهانی در افغانستان اعمال گردید .

من و بالای خاندان مجددی ، یک خاندان که بیشتر از ۱٤۰۰ سال تاریخ دارد و در خدمت افغانستان و عالم اسلام همواره پدران ما مشغول بودند ، همچنان که دیگر علمای بر ازنده و روحانیون سهم گرفته بودند ، خاندان مجددی‌هم در صفوف اول قرار داشتند، در همه مصیبتهای افغانستان و در همه مصیبت‌های که به عالم اسلام آمده خاندان مجددی اولادامام ربانی مجدد الف ثانی ؛ قائم مقام اُلوالعزم هستند ، ۱۲٤۰۰۰ کم و بیش پیغمبر امت ، لاکن در ۱۲٤۰۰۰ شش پیغمبر به قول راجح علماء - انبیاء الوالعزم هستند . حضرت مجدد الف ثانی بعد از هزار سال که از هجرت رسول خدا(ص) گذشته بودبه حیث امام ظهور کرد و آنها قائم مقام پیغمبر الوالعزم هستند .

ایشان اولاد حضرت عمر فاروق(رض) خلیفه رسول الله(ص)هستند که شخصیت دوم اسلام بعد از انبیاءمی‌باشند که اول حضرت ابوبکر صدیق(رض) و بعد از آن حضرت عمر فاروق (رض) است و توسط برق شمشیر شان اسلام در دنیا پخش گردید ، که حضرت رسول اکرم (ص) پیش ازاسلام حضرت عمر دعا کردند که (اللهم‌اعزالاسلام باحد العمرین عندک عمر ابن الخطاب او عمرو ابن هشام)

فرمودند که ای پروردگار ، اسلام را تقویه کن ، اسلام را غالب بگردان به یکی از دو عمر که کدامش نزدت نزدیک است ، توسط او اسلام را تقویه کن ، یکی عمرو بن هشام که ابوجهل بود و یکی عمر بن خطاب که فاروق اعظم است ، لقبش را حضرت رسول خدا(ص) فاروق نامیدند ، فرق کننده بین حق و باطل، خدا دعای شان را قبول کرد ، حضرت عمر فاروق اسلام آوردند وبروزی که اسلام آوردند گفتند که یا رسول الله ، ما به حق هستیم یا به باطل ؟ فرمودند که به حق ، گفتند که اگر به حق هستیم چرا نماز را پنهان بخوانیم ، چرا اذان ندهیم ، چرا علنی اسلام خود را اعلام نکنیم؟ حضرت رسول اکرم(ص) گفتند که حالا تو این کار را بکن، صدای اذان بالا شد و آن روز اسلام خود را اعلام کردند وکفار فکر کردند که حتماً یا ابو جهل ایمان آورده و یا عمر بن خطاب ، ورنه این جرأت را کسی کرده نمیتواند .

ما با تمام تقصیراتی که داریم از پروردگار خود عفو و پوزش میخواهم، و چون خود را از اولادهٔ حضرت امام ربانی شیخ الحدیث مجدد الف ثانی خلیفهٔ عمر فاروق(رض) میدانم ، امیدوارم پرتوی از آن ها بالای ما باشد ، اگرچه

شاعری میگوید !

از جلال الدین اول تا جلال الدین حال
آنقدر فرق است کز جام بلورین تا سفال

من شخصاً در سال ۱۳۳۲ به جهاد مقدس آغاز نمودم که بخدای من معلوم است ، و از آن تاریخ به بعد یگانه آرزوی من این بوده است که این جهاد را تا آخرین رمق حیات ادامه بدهم ، الحمد لله که تا هنوز با شما یکجا در این جهاد مصروف هستیم .

اگرچه مناسبت میان ما و عمر فاروق و امام ربانی و دیگر اولیاء الله نیست ، لیکن الحمد لله که از حضرت عمر فاروق گرفته تا پدران ما سلسلهٔ ولایت و کرامت هرگز منقطع نگردیده است . با تمام اینها اکنون در جریدهٔ شهادت نوشته‌اند که خاندان مجددی در طول تاریخ مرتکب خیانت گردیده اند و مثال آورده است که با بچهٔ سقاو روی قرآن قسم نموده ولی بعداً او را به شهادت رساندند .

من با صراحت اینرا میگویم که حضرات مجددی در طول تاریخ افغانستان مرتکب هیچ گونه خیانت نشده اند ، و امیدوارم که بعد از این هم خداوند ما را از ارتکاب خیانت در امان خود نگاه دارد، و اساس همهٔ این پروپا گندها

اینست که ما چرا با آمدن ظاهر خان موافق هستیم ؟ و بارها در این باره میان ما و برادران دیگر مناقشه صورت گرفته است و آنها میگویند که حضرت صاحب بار ها در بیانیه های خود این را گفته اید که سخت ترین مشکلات زندان را در زمان ظاهر خان گذارنده ام و چگونه میتوان ظاهر خان را قبول نمود ، و اکنون میخواهید ظاهر خان را برما و افغانستان مسلط نمائید ؟

بر ایشان گفتم که، یا شما سخن مرا صحیح نفهمیده‌اید یا اینکه غلط شنیده اید من بارها گفته ام و باز هم میگویم که دران زمان درمیان تمام رهبرهای کنونی هیچ کس بیشتر از من زحمت ندیده است، و من از سال ۱۳۳۸ تا سال ۱۳٤٤ ، سخت ترین مشکلات زندان را متحمل گردیدم، و مدت هشت سال قبله گاه من از حاصلات زمینش محروم بود ، همه زمین هایش ضبط گردید ، ولی با تمام این مشکلات و نا بسامانی الحمد لله کوچکترین ضعف در ایمان ما واقع نگردید ، و من اکنون میگویم که انگیزه ها و مسایل شخصی را در برابر اعلای کلمة الله و بخاطر مردم افغانستان باید فرموش نمود .

برادر ها ! من بارها گفته ام و بازهم میگویم که اگر

ظاهر خان باشد و یا یک نفر نوکر ظاهر خان بشرط اینکه مسلمان و افغان بوده و سبب اخراج روس‌ها از افغانستان میگردد من آنرا قبول دارم . و دیگران در رأی خود آزاد هستند که آنرا میپذیرند یا نه ؟

من که از وضع رقت بار افغانستان رنج میبرم، همیش گفته ام که برای رضای خدا ، بر این یتیمان ، بیوه ها ، زخمی ها و مسلمان های بیچاره رحم نمائید ، و یک راه حل برای این مسئله پیدا کنید ، راه حلی که معقول و به نفع اسلام و مسلمین باشد ، بدون شک ما آنرا میپذیریم ، از زعامت و رهبری دست بردار هستیم ، و دعای من اینست که خداوند ما را از جملهٔ خدمتگاران مجاهدین و مهاجرین بشمارد ، و هر وقتیکه افغانستان آزادی خود را حاصل نمود حق ملت است که سرنوشت خود را تعیین نماید ، اگر برای من موقع خدمت را دادند تا جائیکه توان و قدرت دارم در خدمت شان خواهم بود ، والا دعا های من بدرقه راه شان است ، و تسبیح و جای نمازیکه از پدران ما بما مانده است فرش مسجدنموده و به تبلیغ اسلام ادامه خواهم داد ؟

برادران گرامی تمام این پروپاگند ها به شدت

ادامه دارد ، در یکی از نشریه‌های که بنام (جمعیت آواره‌گان افغان) در پشاور نشر و پخش نموده اند ، چیزهای دربارهٔ من نوشته اند که بیرون از شرافت قلم و عاری از کرامت انسانی است ، و ما همهٔ آنها را بخدا سپرده ایم که او ذاتی است که مفسد و مصلح را خوب میشناسد .

والله یعلم المفسد من المصلح

و علت همهٔ این بدبختی‌ها اینست که ما برای اعلای کلمة الله و برای خدمت به مجاهدین و مهاجرین کمربسته ایم، که برای دشمنان اسلام و افغانستان قابل تحمل نیست، اگر آنها منطق و غیرت دارند باید بیایند با من در هر موضوعیکه میخواهند صحبت کنند ، و خلاصهٔ مطلب آنها اینست که شما با حکومت کابل درتماس هستید ومیخواهید روس در افغانستان کامیاب گردد ، درین باره همین قدر میگویم که خداوند عاملین این پروپاگندها را بجزای اعمال شان برساند . انه یعلم الجهر و ما یخفی . در زمانیکه من مخالفت خود را با روسها اعلام نمودم در ان وقت شاید اینها بدنیا نیامده بودند .

و باز هم در زمان داؤد خان که وطن را ترک گفتم ، در اروپا صاحب زندگی آرامی بودم ، تبلیغات من درباره

اسلام ادامه داشت و حد اوسط در هر ماه ۳ - ٤ نفر کافر مسلمان میگردید و بدین اسلام مشرف میشد ، و خداوند هزار ها کافر را هدایت می نمود . هشت و یا ۹ مسجد در ممالک اروپائی تاسیس نمودم ، که اشاعت اسلام از آنها جریان داشت ، لیکن بخاطر شما مردم مجاهد و مسلمان افغانستان آن کار ها را گذاشته به اینجا آمدم تا مصدر خدمتی برای شما شوم، و در جهاد افغانستان سهم گیرم، و بزرگترین جرم من همین است .

بعضی دوستان ما در جمعیت اسلامی میگویند که حضرت صاحب چرا خود را بحیث رهبر آیندهٔ افغانستان کاندید نمی نمایند ، در حالیکه عالم است ، و از خاندان نجیب است ، در جهاد سهیم است ، سیاستمدار است ، وغیره وغیره و خلاصهٔ مطلب آنها اینست که حضرت صاحب کاندید نماید ما رای میدهیم مسئله حل میگردد .

در جواب آنها اکنون خدمت شما عرض میکنم، قسم بخدا که من هرگز دعوای رهبریت ، و زعامت را ندارم و و این باری را که جبههٔ ملی نجات افغانستان بدوش من انگنده است ، برای من خیلی گران است ، و دعای من همیشه این بوده است که خداوند کسی را بفرستند که بار دوش مرا سبکتر سازد .

باز هم اگر شما راست میگوئید و در وجود من این صلاحیت را دیده اید ، پس خطوط و بیعت نامه های خود را کتباً بفرستید ، و باز هم فرض کنید شما چنین کار را هم کردید ، باز هم چند تنظیم با شما همنوا و چند تنظیم‌دیگر مخالفت خواهد کرد، و اگر تمام تنظیم‌ها هم مرا به صفت رهبر انتخاب نمایند ، بازهم روس ها به رهبریت من از افغانستان خارج نمیشوند ، روس خجالت میکشد که تحت زعامت کسیکه ۳۳ سال با او مخالفت کرده است از افغانستان خارج گردد ، پس چه باید کرد ؟ باز هم رای اکثریت قابل احترام خواهد بود ، جناب رسول الله(ص) به ما حکم فرموده اند تا از سواد اعظم پیروی نمائیم .

هر کس دارای مخالفین و موافقین میباشد ، من هم مخالفین دارم ، ظاهر خان هم مخالفین دارد شما هم‌مخالفین دارید ، و دیگران هم مخالفین دارند، در اینجا چطورمیتوان رای اکثریت مردم افغانستان را معلوم نمود ، یک راه آن تشکیل لویه جرگه است، و راه دیگر آن مراجعه به‌کمپهای مهاجرین ، و اکثریت آنها هر که را که انتخاب نمودند آن رهبر موقتی افغانستان است ، تا بعد از اخراج روس ها این خلای سیاسی پر گردد .

و این را هم باید خدمت شما عرض کنم که اگر این وضع موجوده در افغانستان ادامه پیدا کند ، یقین داشته باشید غیر از رسوائی در دنیا و آخرت چیز دیگری بدست نخواهد آمد ، در حالیکه قربانی ها دادیم ، در افغانستان تباهی آمد ، مهاجرت ها صورت گرفت ، کاش هنوز هم بعد از مدت ۸ سال خداوند ما را توفیق بدهد که یک رهبر برای افغانستان تعیین نمائیم .

همین چند روز قبل با یکی از رهبران مجاهدین روی این موضوع حرف زده شد که او میگفت مظاهرهٔ کوئیته و میرانشاه را شما غرض زمینه سازی برای آمدن ظاهر شاه ترتیب داده اید، من برایش گفتم که مانه در چنین مظاهرات دست زده ایم و نه خواهان آن هستیم ، بلکه عکس العمل است که شما بمیان آورده اید .

بمجردیکه از طرف بعضی مقامات برای ما گفته شد که روس ها به حکومت شما تن در نخواهند داد و یک شخص بی طرف ، مسلمان و افغان دیگری باید حکومت را تشکیل دهد ، شما فکر کردید که آن شخص ظاهر خان خواهد بود ، بلا فاصله به مخالفت پرداختید ، پروپا گندها کردید ، مجالس ترتیب دادید ، به کیمپ ها مرا زیر

شدید در حالیکه حد اقل ۳۰٪ - ٤۰٪ مردم افغانستان به او علاقه دارند ، احساسات آنها را جریحه دار نمودید که عملاً بشکل مظاهرهٔ فعلی درامد .

برادران گرامی اکنون بطور مختصر نظریهٔ جبههٔ ملی نجات افغانستان را پیرامون اوضاع فعلی در کشور خدمت شما تقدیم میدارم ، و شاید حرکت انقلاب اسلامی و محاذ ملی اسلامی هم همچنین نظررا داشته باشند.

خداوند بما اجازه داده است که صلح را به پذیریم ، وا ما حکومت کفر را در افغانستان نمیپذیریم و هر مسلمان افغان که باعث اخراج روسها از افغانستان گردد و حکومت اسلامی را درافغانستان قایم نماید ، بشرط اینکه اکثریت مردم آنرا قبول نمایند ، ما آنرا قبول داریم این یک راه اسلامی و شرعی بوده مطابق عنعنات و افغانیت افغانستان است و غیر از این راه دیگری فعلاً وجود ندارد ، پس چه باید کرد و تا چه وقت قربانی بدهیم ، و من از شما خواهش دارم که ما در انتخاب یک زعامت واحد موفق نشدیم واکنون این کار را شما بکنید ، تا اکثریث مردم از این مصیبت نجات حاصل نمایند ، در هر صورت باید یک راه پیدا شود ، اگر اینطور مجهول

برای شما برادرها بهتر معلوم است که چه اعمال ضد انسانی بر ما و شما و ملت مسکین و بی چارهٔ افغانستان و بر مسلمانان با شهامت و با غیرت افغانستان از طرف روسهای ملحد ودشمنان خدا و رسول تحمیل گردید، حقوق بشر در افغانستان پایمال گردید ، حتی بر حقوق نباتات ، حیوانات و پرنده ها تجاوز صورت گرفت ، امروز در افغانستان به هزار ها یتیم داریم و به هزار ها بیوه و بی‌چاره داریم ، و به هزار ها اشخاصی داریم که در این حملات بی رحمانهٔ روس ها دست و پای خود را از دست داده اند، که در افغانستان و دیگر دنیا آواره و سرگردان هستند، تعداد مهاجرین ما از میلیون‌ها تجاوز کرده است و تعداد شهدای ما به ۱۵۰۰۰۰۰ بالغ میگردد ، آیا میدانید که تمام این قربانی ها برای چه بود ؟ بخاطراین بود که مردم باشهامت ما میگفتند :

لا اله الا الله محمد رسول الله ـ الـذین یخرجون من دیارهم بغیر حق الا ان یقولوا ربنا الله .

مردم افغانستان در مقابل خدا سرکشی نکرده بودند، و نه جرم عظیمی را در مقابل عالم بشریت مرتکب گردیده بودند . لیکن یک ابر قدرت مستبدکه با تمام وسایل مادی

در مجهول کارها باقی بماند برای ما باعث خجالت ورسوائی و برای افغانستان سبب تباهی خواهد بود ، این رای جبههٔ ملی نجات افغانستان است ، اکنون امیدوارم که شما به سوالات ذیل جواب بدهید .

۱- آیا شما میخواهید که یک رهبر تعیین شود ؟

با یک صدا ، بلی ، بلی ، بلی

۲- آیا مسئلهٔ رهبریت یک مسئلهٔ اسلامی است یا نه؟

با یک صدا، بلی، بلی ، بلی است

۳- آیا مسئلهٔ رهبریت یک مسئلهٔ افغانیت نیست ؟

با یک صدا ، بلی، بلی ، بلی است

٤- آیا افغانیت با اسلام مخالف است ؟

با یک صدا ، نه ، نه ، نه

نا گفته نباید گذاشت که در این اواخر امید های زیادی برای من پیدا شده است، و در ماه مارچ سال جاری از ۷ مملکت اروپائی دیدن نمودم ، و در پنج کانفرانس اشتراک داشتم و با سیاست مداران و وزرای خارجهٔ ممالک مذکور مذاکرات داشتم و از خلال آنچه من در این مذاکرات فهمیدم ، اینست که انشاء الله روسها از افغانستان خارج

[illegible]
… لاهور - پاکستان

میگردند ؛ و تا وقتیکه روس ها خاک افغانستان را ترک میگویند نباید اسلحهٔ خود را بزمین گذاشت ، و باید سنگر های جهاد را گرم نگهداشت ، و ضربات خود را پی در پی به روسها باید وارد نمود ، امیدوارم خداوند ما را توفیق بدهد تا بعد از اخراج روسها از افغانستان یک حکومت موقتی ویا یک حکومت بی طرف بهر شکل که میگوئید بشرطیکه در راس آن یک افغان و مسلمان قرار داشته باشد تاسیس نمائیم و شما با عزت و آبرو بوطن خود باز گردید .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

(نعرهٔ تکبیر)

مجهز بود بـه این ملت مسکین و بی چاره تـاخت و تـاز نمود و ویرانی و تباهی را بمیان آورد که در تاریخ اسلام بی سابقه میباشد .

بهر صورت در ۷ ثور ۱۳۵۷ به کمک روس ها در افغانستان از طرف کمونیست ها انقلاب صورت گرفت ، طیارات روسی ازداخل خاک آن کشور بالای کابل بمباردمان نمودند ، یک سال بعد روس ها متوجه شدند که با اعزام بیست هزار مشاورین عسکری و نظامی نمیتوانـد حکومت دست نشاندهٔ خود را در کابل به نفع کمونیزم حمایه کنند بنآء تصمیم گرفتند تا با تمام قوای دست داشتهٔ شان همرای ۱۵۰۰۰۰ هزار عسکر که تا دندان ها در اسلحـه غرق بودند در افغانستـان پیـاده نمایند ، و چنین هم کردند . و ظلم و استبداد آنها از آن تاریخ یعنی از ۷ ثور ۵۷ تا حال جریان دارد ، که ما و شما بچشم سر میبینیم و می شنویم، من نمیخواهم شرح مفصل جنـایات روس ها را برایتا بیان نمایم ، من بقدر توان خود در حضور خدای بزرگ برائت ذمه نموده ام ، و به شما معلوم است که بتاریخ ۹ مـارچ سال جاری بصفت نمـایندهٔ اتحاد اسلامی مجاهـدین عـازم (ژنیو) شدم کـه در آنجا کانفرانسی غرض حمایه از حقوق

بشر تشکیل گردیده بود، و برای اولین بار موفق شدم در محضر نماینده های روس، جنایات شانرا در افغانستان تشریح کنم ، در مدت ۲۵ دقیقه تجاوز و مظالم روس ها را در افغانستان به زبان انگلیسی تشریح نمودم در حالیکه نماینده و سفرای تمام کشور ها به شمول سفیر روس وهئیت اعزامی آن درین کانفرانس حاضر بودند ، نمایندهٔ حکومت دست نشاندهٔ شان در کابل ، نیز در انجا موجود بود و مهم تر از همه اینکه رئیس این کانفرانس نیز یک نفر روسی بود. خداوند به لطف و مرحمت خود در پیالهٔ من یک نوع تاثیری انداخت که تمام اعضای کانفرانس تحت تاثیر قرار گرفتند ، و من فکر میکردم که شاید روسهاتالار کانفرانس را به عنوان اعتراض ترک گویند ، لیکن یک نفر آنها هم خارج نگردید . بعدًا متوجه شدم که شاید بعد از اختتام بیانیه جواب مرا بدهند ، بخداوند قسم است که یکی از آنها هم این جرأت را نکردند که جواب بدهند ، این هم یک عظمت اسلام و قرآن است ، و این از برکت غیرت ، شهامت و ایمان شما است که خداوند دشمنان شما را در مجالس بین المللی هم در مقابل نمایندگان شما مغلوب میگرداند .

بهرحال اینکه در افغانستان چه نوع مظالم حکمفرما است ، و اینکه ما و شما در چه تکالیف و مشقات هستیم ، و اینکه چه گونه در مقابل یکدیگر خود صف میگیریم ، و اینکه چگونه در جان یکدیگر افتاده ایم قابل تاسف است، اما افسوس و صد افسوس که عدهٔ زیادی از تنظیم ها در عالم اسلام و غیر اسلام متوجه این هستند که مردم مسلمان افغانستان را که در حال جان‌کندن است از وضع نا بسامان او استفاده های سیاسی ، مذهبی و مادی نمایند ، و این بکلی از انصاف دور است واز دایرهٔ انسانیت واخلاق کاملاً بیرون است که مردم مظلوم و بی چارهٔ ما برای خدا و اعلای کلمة الله و برای دفاع از حریم اسلام و برای دفاع از عالم اسلام و برای دفاع از امت اسلامی جان و مال و اولاد خود را قربان میکنند ، و عدهٔ دیگری نشسته‌اند که چگونه مذهب مسلمانان را تغییر بدهیم ، چطور استفادهٔ مادی نمائیم ، چطور آنها را مطابق مقاصد و مرام خود استعمال نمائیم ، و این دور از انصاف است. مسلمانان افغانستان دارای یک مذهب میباشند که آن مذهب امام ابو حنیفه رحمة الله علیه است ، و دین شان دین مقدس اسلام است ، و مذهب دیگری که در افغانستان وجود

دارد ، مذهب برادران اهل تشیع است که به طریقهٔ امام جعفر که از جملهٔ ائمهٔ عظام است تکیه میکنند ، و اهـل این مذهب از سالیان متمادی در افغانستان وجود دارند ، و درمیان ما تفاهم کامل و زیست باهمی موجود است، و بعد از آغاز جهاد افغانستان این (روحیه) بیش از پیش قوی تر گردیده است. امروز در حالیکه ما متوجه خود هستیم ومتوجه مشکلات خود هستیم و متوجه قربانی و تلفات خود هستیم، در عین حال هستند کسانی که میخواهند در افغانستان مذاهب دیگری را بیاورند، اخلاق دیگری را پیاده نماید ، شرافت دیگری را به ملت پیاده نمایند که این خود از شرافت به دور است ، هستند کسانی دیگری که بالای ما حکم شرک میکنند که شما گفته اید (یا محمد) استغفر الله ، این چه منطق است و در کدام دین و آئین آمده است عدهٔ زیادی از علماء در جبههٔ ملی نجات افغانستان و حرکت انقلاب و دیگر تنظیم ها هستند ، باید از آنها پرسید زیرا آنها بـه کتاب الله و اقوال ائمه وارد هستنـد ، آنها بـه اجتهاد مجتهدین پی برده اند ، آنها در مذاهب ، تصوف و روحانیت معلومات دارند ، از آنها باید پرسیده شود که آیا (یا محمد) گفتن شرک است ؟ این چـه نوع شرک است ،

اگر گفته شود یـا وزیر یاپادشاه یا برادر ، مهر شرک بـه پیشانیها کوبیده میشود؟ اینکه نزد انسانهای سنگدل استاده صدا در میاورند و کمک میخواهند آن شرک نیست و نـام نـامی بهترین عالم محمد رسول الله (ص) را بزبان آوردن شرک است ؟

میگویند خطاب عبدالرسول و عبدالنبی شرک است ، میدانید نام کیست؟ که اکنون نام خود را عبد رب رسول مینویسد و بـه غلامی رسول الله(ص) احساس شرمنـدگی میکندم و ما میگوئیم که ما غلامانّ حلقهٔ بگوش غلامـان رسول الله(ص) هستیم .

حضرت بهترین عالم(ص) که به وجود او عالم‌افتخار میکند ، آن ذات مقدسی که خداوند بزرگ ، عالـم را بـه طفیل او آفریده است ، آنکس که شخصیت بهترین عالم و عالمیان است ، افضـل البشر ، امـام النبیین شفیع المذبین است، به آن شخصیت احترام نداشتن و خود را ازغلامان او محسوب نکردن این از ایمان و انصـاف دور است از عقل و کرامت انسانی دور است .

افغانستان عزیز در این حالیکه در آتش سرخ روس و دهریت میسوزد ، هر روز به هزاران نفر تلفات میدهد و

بسم الله الرحمن الرحيم

متن بیانیه

حضرت پروفیسر صبغت الله مجددی

رهبر جبهه ملی نجات افغانستان

در مراسم نکوهش کودتای هفتم ثور

۷ ثور ۱۳۶۶ هـ ش

بسم الله الرحمن الرحیم

متن بیانیهٔ

حضرت پروفیسر صبغت الله مجددی

رهبر جبههٔ ملی نجات افغانستان

در مراسم نکوهش کودتای هفتم ثور

۷ ثور ۱۳۶۶ هـ ش

تهیه و ترتیب : نمایندگی جبهه مقیم لاهور

نوبت چاپ : چاپ اول

تعداد طبع : ۱۰۰۰۰ جلد

تعداد صفحات : ۵۳ صفحه

تاریخ چاپ : ۱۰ عقرب ۱۳۶۶



حضرت پروفیسور صبغت الله مجددی رهبر جبههٔ ملی نجات افغانستان

در حال ایراد بیانهٔ شان در مراسم نکوهش هفت ثور ۱۳۶۶ ه‍ ش